



نصرت‌الله محمودزاده

امین حضرت آقا

حاج علی علم‌الهدی؛ مجاهد استقامت

خواه عروج مجاهدی خاموش از جمع ما، می‌کردم که حاج علی در اوضاعی خاص

فرصت خوبی است که با عقل توأم با عشق تقی به پرورده این بزگوار بزیم. نه از این جهت که صرفاً یادی از روح بلند خانواده پر افتخار علم‌الهدی کرده باشیم، بلکه به این خاطر که در این دنیا پیچیده، مرام این مردان خدا عصای دستمان شود.

در مسیر تحقیق و تدوین زندگی شهید حسین علم‌الهدی - از جمله هم زمانم در دشت هویزه - گمان می‌کردم در ۱۶ دی سال ۵۹ را جا گذاشته‌ام و به شهر برگشته‌ام؛ در حالی که به مرور زمان، ثابت شد شهدا امثال ما را جا گذاشتند و بعد از جنگ، به شهر پرت مان کردند. در این مسیر، به نکات ظریفی از خلق و سویی مرحوم حاج علی رسیدیم که بهتر است با هم مرور کنیم.

او در متن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و در حساس‌ترین شغلی که پارانش او را «امین حضرت آقا» در امور لشکری نظام یادی می‌کردند، یادمان داد که می‌توان پس از جنگ نیز همچون شهید حسین علم‌الهدی زندگی کرد. در حین تحقیقات و سویی

می‌شدند و بعضاً این مشن به‌سختی او را می‌رنجانید. روزی صدایم کرد و به درد دل سخن کشید. این جمله او هیچ‌گاه از ذهنم پاک نمی‌شود «درست است که دستم به دنیایی از امکانات می‌رسد، اما هنوز به خودم اجازه نمی‌دهم سسر سوزنی از آن‌ها را متعلق به خود، خانواده و یا نزدیکانم تصور کنم». بعد سرش را پایین انداخت و آهسته گفت: «دعا کن در این راه پر پیچ و خم کمزور تعهدم خم نشود». باور این جمله سخت است. کاش همکارانش در ستاد کل نیروهای مسلح و همه آن‌ها که به نوعی با او سسر و کار داشتند، خارج از محدودیت مسائل امنیتی این راز را که هسته‌اش از آن می‌گذشت و با معیار وارد معرکه شود. اگر می‌دیدیم، اما از درون متلاطم بود و بردر. هنگامی رضایت و خرسندی در چهره‌اش نقش می‌یست که بسیاری از دفتر مقام معظم رهبری برمی‌داشت. همه آثانی که برای مطالبه حقیقی به او مراجعه می‌کردند، تا آخر خط یا آن‌ها همراه می‌شد و اگر مطالباتشان به حق نبود، سنگ صورشان می‌شد و در فضایی از مهر و محبت آن‌ها را به امانت‌داری دعوت می‌کرد.



گاه که حاج علی به انگیزه همراهی با شهدای دشت هویزه به مزارشان می‌رفت، خود را از شهر رانده احسان می‌کرد و دنبال راهی بود که به نسل خود برگردد. نسلی که از خرداد ۴۲ به امام (رحمت‌الله‌علیه) لیبیک حمله می‌شدند و سیره عملی تقوا را به‌گونه‌ای دنبال کردند که شهید حسین علم‌الهدی آن را ورق زده بود، سال‌ها بعد از آن که مرحوم بی‌سی علم‌الهدی در مزار شهدای هویزه از میم، مرحوم آقا نظام هم به آن‌ها پیوست و هنگام دفن این مرد بزرگ، اما گمنام انقلاب اسلامی، حاج علی گفت: «این قبر را گو دستر بکنید. به‌زودی در سه محور می‌چرخید: بی‌نام، اما پردر. بی‌نشان، اما کولمباری از مسئولیت و بی‌پای، اما دنیایی از بی‌نیازی.

برای برادر شهیدش حسین هم معلمی می‌کرد و هم پدری. او استادی گمنام بود برای شخصیتی که امروز الگوی دانشجویان عصر بعد از جنگ به حساب می‌آید. و امروز، یک سال پس از عروج ملکوتی حاج علی، می‌توان در بسیاری از مراحل زندگی ۲۲ ساله شهید علم‌الهدی رد پای بردارش حاج علی را مشاهده کرد. مسأله مهم‌تر این که تمام سرمشق‌هایی که او برای آن ۴۲ گشوده شد، در سال‌های خفقان رژیم پهلوی آید شده و در اوج پیروزی انقلاب و جنگ به ثمر نشست. بی‌جهت نبود که گزارش‌های این مرد، برای حضرت آقا حجت به حساب می‌آمد.

تحمل درد و رنج و بیماری در سال‌های آخر عمر، سخت‌ترین آزمایشی بود که احساس می‌کرد مورود خود خندا قرار



مدتی است که طرح سؤال از رئیس جمهوری کلید خورده است و افکار عمومی منتظر است که ببینند این آزمون دولت و مجلس به کجا ختم می‌شود. عکس: جام‌جم آنلاین / مجید آزاد

تراژدی نقدناپذیری

پرونده‌های دربارۀ تابویی به نام سؤال از رئیس‌جمهوری

ا. راجابی | a.rajabi@panjerehweekly.com | علی رجبی

«... مجلس مأمّن مردم و مردمی‌ترین مجلس دنیا، برآمده از متن مردم است... دولت آینده، دولت توروی‌پرداز نیست؛ دولت قوه مجریه است. قانون را شما تصویب می‌کنید و ما دقیق و سریع اجرا می‌کنیم... بعد نظارتی مجلس را تقویت کنیم! چون هیچ رئیس‌جمهوری و دولتی نیست که همه کارها را خودش انجام دهد».

این جملات متعلق به رئیس‌جمهوری است که بعد از اجماع همه گروه‌های اصول‌گرا، در رقابتی نفس‌گیر، توانسته بود با رأی بالایی

و پایان دوران اسلام‌گرایی می‌زند! او، در ابتدا، می‌گفت مجلس برآمده از متن مردم و مأمّن مردم است. اما امروز، بر خلاف فرمایش امام راحل (رحمت‌الله‌علیه) می‌گوید مجلس در رأس امور نیست! به صراحت گفت، دولت باید قوانین مجلس را سریع و دقیق اجرایی کند! اما امروز، به‌راحتی می‌گوید فیلان قانون را اجرا نمی‌کند؛ چون به آن اعتقاد ندارد... از این دست مثال‌ها زیاد است و گفتنش مثنوی صد من کاغذ می‌طلبد؛ اما مقصود از طرح این موضوع، ورود به مسأله‌ای است که در دولت محمود احمدی‌نژاد، به‌خصوص در این اواخر، در جریان بوده و بخشی از فضای رسانه‌ها را اشغال کرده است؛ صحبت از «طرح سؤال از رئیس‌جمهوری» است.

پرواضح است که آن محمود احمدی‌نژادی که دولتش با شعار عدالت و بازگشت به کتار یکدیگری، دست به دست هم دادند و نگاهداشتند دولت راه اولیه او را که مورد تأیید رهبر معظم انقلاب نیز بود ادامه دهد